

The Effectiveness of Literary Elements on the Expression of Social Motifs; a Comparative Study of the Poems of Ahmad Matar and Hossein Esrafil according to the American School

Bahram Avartinzadeh ^{*1}, Seyyed Mohammad Razi mostafavinia ²

1 Master of Arabic Language and Literature, University of Qom

2 Associate Professor in University of Qom

*Corresponding author: Bahram09150457536@gmail.com

DOI: [10.22034/jltll.v3i1.45](https://doi.org/10.22034/jltll.v3i1.45)

Received: 29 Aug, 2019

Revised: 04 Nov, 2019

Accepted: 16 Feb, 2020

ABSTRACT

Literature has always been a reflection of the ideas of scholars and poets. In the meantime, comparative literature is one of the areas of literary studies that deals with the intersection of literature in various works and finds common links and relationships in literature and other manifestations of human knowledge. In the field of poetry, the association of motifs or repetitive elements with the conceptual components of different nations expresses the poets' thought and purpose for composing. Social concepts are the motifs that frequently found in Iranian and Iraqi poems. To understand the subtleties of this confluence in literary texts, it were studied the most important motifs in the poems of contemporary poets Ahmad Matar and Hossein Esrafil in the countries of Iraq and Iran based on the American school. And it cleared that Ahmad Matar has been pessimistic about the factors and events in Iraq and he sees the bright future as near impossible, while Hossein Esrafil is more optimistic than Matar and his hope for victory and liberation in his poems is evidence.

Key words: Social Motifs, Conceptual Components, Comparative Literature, Ahmad Matar, Hossein Esrafil.

اثرپذیری عناصر ادبی در بیان موتیف‌های اجتماعی؛ بررسی تطبیقی اشعار احمد مطر و حسین اسرافیلی بر اساس مکتب آمریکایی

بهرام آورتین زاده^{1*}، سید محمد رضی مصطفوی نیا²

1. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

2. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

*نویسنده مسئول مقاله Email: Bahram09150457536@gmail.com

DOI: [10.22034/jlttl.v3i1.45](https://doi.org/10.22034/jlttl.v3i1.45)

پذیرش: 98/11/27

اصلاح: 98/08/13

دریافت: 98/06/07

چکیده

در دوره معاصر کشورهای اسلامی همواره با چالش‌ها و کشمکش‌هایی روبه‌رو بوده و هستند و این کشمکش‌ها و تعارضات به دلایل تاثیرات عوامل داخلی و خارجی بوده است بنابراین مردم با این عوامل به شکل‌های مختلف برخورد کرده‌اند و در برابر ظلم خاموش نشسته‌اند در این میان نقش شاعران و روشنفکران در دعوت مردم به مبارزه بی‌تاثیر نبوده است در چند دهه اخیر کشورهای ایران و عراق شرایط مشابهی را به خود دیده‌اند به همین علت در این پژوهش سعی بر آن است که به مهمترین مضامین مطرح شده در زمینه پایداری در اشعار احمد مطر و حسین اسرافیلی شاعران معاصر در کشورهای عراق و ایران پرداخته شود با استفاده از روش ادبیات تطبیقی مکتب آمریکایی به تحلیل و توصیف مهم ترین مضامین پایداری پرداخته شد؛ و مشخص گردید که احمد مطر نسبت به عوامل و حوادث موجود در کشور عراق بدین بوده و رسیدن به آینده روشن را چیزی نزدیک به محال می‌داند در حالی که حسین اسرافیلی نسبت به مطر خوش بینانه تر است و امید به پیروزی و رهایی در اشعار او نمایان است. واژگان کلیدی: شعر پایداری، ادبیات تطبیقی، احمد مطر، حسین اسرافیلی.

مقدمه

ادبیات همواره گستره بیان احساس و عواطف ناشی از حوادث بوده است، و شکل‌های متفاوتی را در ساحت تاریخ به خود دیده و با تغییراتی از نظر سبکی و محتوایی همراه بوده از آن جمله پیدایش شاخه‌ای به عنوان تطبیقی است که از قرن نوزدهم از کشور فرانسه شکل گرفت که به «بررسی مواضع اشتراک بین متون ادبی در زبانهای مختلف و روابط آنها با یکدیگر می‌پردازد» (شکری، 1970:18).

در پژوهش‌های تطبیقی از روابط تشابهات و تاثیر یک ادبیات بر ادبیات دیگر ملت‌ها بحث می‌شود همچنین متون ادبی با حوادثی که در آن جریان دارد چه دور و چه نزدیک با این شرط که از زبانی مختلف باشند مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

مرحله اول ادبیات تطبیقی که به آن مرحله تاریخی می‌گویند «از قرن نوزدهم شروع شد و تا قسمتی از قرن بیستم بر ادبیات سیطره داشت گفتمان تاریخی و فلسفی در بررسی‌های ادبی مورد توجه بود و بیشتر به حوادث زمانی و مکانی خلق اثر در بررسی‌ها اهتمام نشان داده می‌شد» (شوقی، 1990:13)

ادبیات تطبیقی داری مکاتب و روش‌هایست از آن جمله مکتب فرانسوی است که برای بررسی اثر ادبی به موضوع تاثیر و تاثر توجه دارد و در پی اثبات تاثیر پذیری برخی از آثار ادبی از برخی دیگر است بسیاری معتقدند یکی از عوامل این روش اثبات ضعف ادیبان به طور خاص و اثبات وابستگی ادبی برخی کشورها به کشورهای دیگر به طور عام است.

بعد از آن مکتب آمریکایی شکل گرفت مکتبی که برخلاف مکتب فرانسوی به بحث تاریخی اهمیت نمی‌داد و اعتقاد به اهمیت زیبایی اثر ادبی داشت و سپس مکتب آلمانی که در آن ادبیات تطبیقی شکل و قالب جدیدی به خود گرفت در سال 1887م ماکس کوخ آلمانی با انتشار مجله ادبیات تطبیقی علمی را که موضوع آن بررسی تاثیرات و روابط ادبی است را بنیان نهاد.

ادبیات پایداری:

در کشمکش بین افراد، کشورها و ملت‌ها گروهی مورد هجوم واقع می‌شوند و گروهی دیگر به دفاع از خود می‌پردازند و در طول تاریخ این حوادث ثبت شده است و در این میان گروهی از شعرا و ادیبان با ذوق هنری خود بر جذابیت آن افزوده و حوادث را همراه با بیانی ادبی ثبت کرده‌اند این چنین حوادث تاریخی با ادبیات گره خورده است «ادب مقاوم عموماً چهره‌ای انسانی دارد یعنی هدف از خلق آثار ادبی در حوزه

مقاومت قومی و دینی و اجتماعی نیست و این ادب به فرقه و کشور و نژاد خاصی تعلق ندارد و ادیب در خلق اثر ویژگی‌های انسانی مشترک را توصیف می‌کند مثلاً در ادبیات مقاومت عربی ممکن است مخاطب شخصی خارج از کشورهای عربی باشد و با خواندن اثر ادبی با آن احساس همدردی کند.» (شکری، 1970: 10)

ادبیات پایداری به بیان صفاتی همچون شجاعت مبارزان، وطن دوستی، ایجاد رغبت به مبارزه، عدالتخواهی، پاسداشت یاد شهدا، نکوهش افراد ظلم و متجاوز و... می‌پردازد. در این مقاله سعی بر آن است تا بر اساس مکتب آمریکایی به تحلیلی و توصیف مضامین پایداری در اشعار حسین اسرافیلی و احمد مطر به روش تطبیقی پرداخته شود.

فرضیه پژوهش:

در دوره معاصر کشورهای اسلامی از نظر داخلی برخی با وجود حاکمان ظالم موجبات فقر و تنگدستی مردم بوده‌اند و از نظر خارجی وجود پدیده‌ی شوم استعمار سایه کشورهای اروپایی بر آنان سنگینی کرده است در این میان کشورهای ایران و عراق از این قاعده مستثنی نبوده‌اند از این پس بنا بر بررسی اشعار پایداری دو شاعر معاصر حسین اسرافیلی از کشور ایران و احمد مطر از عراق گذاشتیم تا میزان تاثیر گذاری پایداری ملت‌ها بر اشعار آنها را مورد پژوهش قرار دهیم مهم ترین مضامین پایداری دو شاعر توصیف وطن، دعوت به مبارزه، دعوت به آزادی، امید به پیروزی و... است. این شاعران خود بیان می‌کنند در تنگناها همواره در کنار مبارزان بوده‌اند و سلاح خود را بر زمین نگذاشته‌اند و سلاح شاعر همان اشعار اوست که مبارزان در میدانهای جنگ آن را زمزمه می‌کنند حسین اسرافیلی می‌گوید:

«آخرین خاکریز دشمن را با شما بیرق ظفر زده ام»

یا در آن جا که می‌گوید:

«سالها پا به پای رزم شما / شعر من همچو مرد جنگیده است / در هیاهوی آتش و باروت / مرگ مرا

(اسرافیلی، 1377: 4)

همنشین جان دیده ام»

و این نشان می‌دهد که خود اسرافیلی در میدان مبارزه حاضر بوده و بوی باروت را از نزدیک حس

کرده و تا نهایت پیروزی با مبارزان بوده و پس از آن هم شعر را سلاح قرار داده است.

احمد مطر خود را شاعر آزادی می‌بیند که معانی کلمات را از پداران پیشین و اشعارش را از اشک مادران گرفته است، او شعر خود را عصاره زمان خود می‌داند.

سوال پژوهش:

مضامین پایداری که موجب تشویق مردم علیه ظلم و دعوت به مبارزه شده است در نگاه احمد مطر و اسرافیلی چگونه و به چه شکلی بیان گردیده است؟
روش پژوهش: در این مقاله روش ادبیات تطبیقی بر اساس مکتب آمریکایی است که به شکل توصیفی تحلیلی به بررسی مهم ترین مضامین پایداری در اشعار احمد مطر و حسین اسرافیلی پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش:

در رابطه با ادبیات پایداری احمد مطر و حسین اسرافیلی به صورت جداگانه پژوهش‌هایی صورت گرفته که در این جا به هریک اشاره می‌شود، "بررسی مقاومت فلسطین در شعر محمود درویش و حسین اسرافیلی، نویسنده: سجاد مرادی، محمدرضا حاج بابایی، نشریه ادبیات پایداری سال نهم شماره هفده پاییز و زمستان 1396 در این مقاله توجه به موضوع فلسطین به عنوان کشوری مسلمان و مقاوم در برابر رژیم غاصب پرداخته شده است."

"فرهنگ جهاد و شهادت در زبان استعاری شاعر انقلاب اسلامی حسین اسرافیلی نویسنده حسین علی قلی زاده دو فصلنامه علمی پژوهشی پاسداری فرهنگ انقلاب اسلامی سال ششم شماره 13 بهار 1395" در این مقاله مهم ترین ویژگی‌های شهدا و گرامیداشت یاد و جایگاه شهدا آمده است.

مظاهر الادب المقاوم فی شعر احمد مطر از جواد سعدون زاده نشریه ادبیات پایداری سال اول شماره اول پاییز 1388 در این مقاله مضامین مقاومت همچون وطن دوستی، قدس، فلسطین، لبنان و عراق، آزادی، سلطه آمریکا، مورد بررسی قرار گرفته است.

در این میان مقاله ای با موضوع و عنوان بررسی مضامین مقاومت در اشعار حسین اسرافیلی و احمد مطر که به صورت تطبیقی مورد بررسی واقع شود یافت نشد. در این پژوهش سعی می‌شود تا مهم ترین مضامین پایداری در اشعار احمد مطر و حسین اسرافیلی بر اساس مکتب آمریکایی مورد بررسی قرار گیرد

Downloaded from jsal.iut.ac.ir
[10-2024-10-24]

زندگی نامه شعراء:

حسین اسرافیلی :

اسرافیلی، متولد اول اسفند 1330 در تبریز، و می‌توان وی را از پیشگامان شعر و ادب دفاع مقدس به شمار آورد وی همچنین در عرصه ادب آیینی آثار ارزشمندی خلق کرده برخی از آثار او عبارتند از: تولد در میدان، صخره و پلنگ، دو پنجره، آتش در خیمه‌ها، در سایه سار ذوالفقار، عبور از صاعقه، مردان آتش نهاد، باران آرزوها را خیس می‌کند، زخم سیب، آتش در گلو، شرحه شرحه آتش، ردپای صدا و... . بیشتر اشعار اسرافیلی در حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده که در این اشعار به توصیف مبارزات مبارزان و صحنه‌های نبرد، رشادت و فداکاری مبارزان می‌پردازد.

احمد مطر

در سال 1956م در خانواده ای فقیر به دنیا آمد، اشعار او موجب گشت که او از کشورش مهاجرت کند ابتدا چند سال در کویت بود در آنجا در روزنامه القبس فعالیت داشت و اشعارش را نیز در آن روزنامه منتشر می‌کرد و همان جا با ادیب و کاریکاتورست مشهور فلسطینی آشنا شد و با هم تا مدتها همکاریهایی در آن روزنامه داشتند. مطر اشعارش را در کتابی کوچک به اسم لافتات منتشر کرد کتابی که مورد توجه مخاطبان واقع شد و توجهات بیشتری به سوی مطر جلب شد.

موتیف‌های شعری شاعران

مهم ترین مضامین پایداری یافت شده در اشعار دو شاعر عبارتند از: وطن، بیداری و دعوت به آگاهی، دعوت به مبارزه، دعوت به اتحاد، آزادی، قدس، فلسطین، کودکان مبارز، استعمار منابع، حقوق بشر و عدالتی، امید به پیروزی، سرزنش حکام نالایق و فاسد است که در اینجا نمونه‌هایی از آنها مورد بررسی، تطبیق و تحلیل قرار می‌گیرد.

1-وطن:

وطن برای هر شخصی پاک و مقدس است و هرکس به نوعی احساس تعلق و دلبستگی به آن دارد و یکی از سختی‌ها و عذابها دوری از وطن است چنان که در قرآن کریم آمده: (أَنَّمَا الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا إِنَّ يَاقْتُلُوا أَوْ يَصْلُبُوا أَوْ تَقَطِّعْ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلَهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَعُوا مِنَ الْأَرْضِ

ذَلِكَ لَهُمْ خُزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) «مائده:33» در این آیه شریفه یکی از عذابهای خداوند برای کسانی که کفر می‌ورزند تبعید از وطن یاد شده و این آیه گواهی بر این است که دوری و تبعید از وطن باعث رنج و مشقت است و در آیه سوم سوره حشر علت اینکه کافران در این دنیا دچار عذاب نشدند را ترک وطن ذکر کرده و این ترک وطن را مساوی با نوعی عذاب دنیایی قرار داده است «لَوْلَا إِنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ»

حسین اسرافیلی وطن را همچون انسانی تصور می‌کند که داغ جوان دیده (جوانان مبارز شهید) و این انسان در برابر شهادت جوانانش صبر پیشه کرده است. غم و اندوه از نگاه اسرافیلی ناشی از جانبازی مبارزان وطن است.

وطنم از غم گل‌های جوان گریه نکرد
سوخت و آب شد از سوز نهان گریه نکرد
وطنم حادثه دید و چنان نخل رشید
ریشه گسترده و از اندوه گران گریه نکرد
زخم‌ها خورد ولی سر افراز ایستاد

نعشها برد ولی از غم جان گریه نکرد (اسرافیلی، 1372: 93/92)

احمد مطر غم و اندوه موجود در وطن را بسیار می‌داند به طوری که او می‌گوید در وطن غم بر روی غم نباشته شده و این غم ناشی از فساد حکام ظالمی مثل صدام است او در مقابل این غم و اندوه به ناچار به مهاجرت پناه می‌برد.

أَيُّهَا الْحُزْنُ الَّذِي يَعْشَى بِلَادِي
أَنْ مِنْ أَجْلِكَ يَعْشَانِي الْحُزْنَ
مَنْ سَتْرَضَى أَيُّهَا الْحُزْنُ وَمَنْ؟
وَمَتَّى تَأْتِنِي مِنْ سُكْنِي بِلَادِي؟

أَنْتَ فِيهَا مُمْتَهَنٌ أَلْتِي أَرْغَبُ أَنْ أُرْحَلَ عَنْهَا أَنَّمَا حُبُّ الْوَطَنِ. (مطر، 1984، ج ۷، ۱۴۳)

و در توصیف اندوه بی شمار وطن خاک آن را چون خون می‌بیند و آسمانش را اشک.

«بَيْتُ الْمَالِ بِلَا مِصْرَاعٍ / يَنْضَحُ فِي بَيْتِ مَصْرُوعٍ /
وَالزَّرْعُ يُعْنِي تُخْمَتُهُ وَالشَّبْعُ لُئِنِ مِنَ الْجَوْعِ»

و تُرَابُ الْأَوْطَانِ دِمَاءٌ وَ سَمَاءُ الْأَوْطَانِ دُمُوعٌ." (همان: 169)

همان گونه که در اشعار دو شاعر مشخص گردید در اشعار حسین اسرافیلی امید به پیروزی وطن و استقامت وطن در برابر غم و اندوه و تشبیه وطن به درخت نخل که نماد ایستادگی در برابر دشواریهاست بیشتر دیده می‌شود و از نظر بلاغی اشعار او با تشبیهات و کنایات و استعارات جذاب تر نمود دارد اما در اشعار احمد مطر یک حالت یاس و ناامیدی نسبت به وطن وجود دارد و این ناامیدی نشأت گرفته از فساد حکامی چون صدام است که موجب فقر در جامعه گشته‌اند.

2- دعوت به بیداری و آگاهی:

آگاهی و هوشیاری مردم تاثیر بسیار زیادی بر روند شکل گیری یک انقلاب دارد شاعر پایداری از وظایف خود می‌داند که مردم را نسبت به حوادث و اتفاقات زمانه آگاه کند و به عبارتی مردم را از خواب غفلت بیدار کند حسین اسرافیلی در شعری با عنوان این همان بیداریست آگاهی و بیداری را جریانی می‌داند که در وجود هر شخص نهفته است و این وجدان آدمیست که باید بیدار باشد و ظلم و ستم را پذیرا نباشد اسرافیلی بیان می‌کند که وجدان او در وجودش فریاد بیداری سر می‌دهد.

یک نفر در جان من درهای و هوست / می شناسم این صدا فریاد اوست. (اسرافیلی، 1372: 100)

خواهها هر چند که رویایی‌اند چشمان بسته را بیداری اند (همان: 101)

منظر چشمان من گل کاری است نیستم خواب این همان بیداری است (همان: 102)

در این ابیات اسرافیلی رویاها را هم نوعی تلنگر می‌داند تلنگری برای بیداری واقعی.

و در جای دیگر او خطاب به کشورهای ظالم و سران آنها می‌گوید:

"ای بوش... جهان بیدارتر از آن است که تو خوابش را می‌بینی" (همان: 62)

در این بیت او اشاره می‌کند که کشورها از خواب غفلت بیرون آمده و آگاه گشته‌اند بنابراین کشورهای

متجاوز در برابر مقاومت آنها به اهداف خود نخواهند رسید.

احمد مطر بیداری واقعی را زمانی می‌داند که مردم دیگر تحت سیطره ی یک حاکم ظالم نباشند و

حکومتی عادل تشکیل دهند آن هنگام که عدالت اجرا شود و حرف حق بدون ترس گفته شود آن هنگام که

کرامت انسانی در سرزمینی حاکم باشد زمانی که کرامت انسانی گرامی تر باشد از ثروت زمانیست که مردم

آگاه و بیدار هستند

أَيَقْظُونِي عِنْدَمَا يَمْتَلِكُ الشَّعْبُ زَمَامَهُ / عِنْدَمَا يُنْبَسِطُ الْعَدْلُ بِلَا حَدِّ أَمَامَهُ / عِنْدَمَا يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَلَا يُغْشَى
الْمَلَأَمَهُ / عِنْدَمَا... يَرَى كُلُّ الْكُنُوزِ الْأَرْضَ لَا تَعْدِلُ فِي الْمِيزَانِ مِثْقَالَ الْكَرَامَةِ / سَوْفَ تُسْتَيْقِظُ وَلَكِنْ / مَا أَلْذَى
يَدْعُوكَ لِلنَّوْمِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (مطر، 1984، ج 6: 23)

در جایی دیگر مطر دزد جامعه با حاکم جامعه را می‌سنجد و میگوید آنگاه که مردم به بیداری و آگاهی
برسند این دو از ترس می‌لرزند.

إِتْنَانِ فِي أَوْطَانِنَا يَرْتَعِدَانِ خَيْفَهُ مِنْ يَقْظَةِ النَّائِمِ اللَّصِّ وَالْحَاكِمِ (همان، ج 3: 10)

در ابیات مطرح شده مشخص شد که اسرافیلی عامل بیداری و آگاهی مردم را در وجدان آنها نهفته
می‌بیند و به استعمارگران و متجاوزان به حقوق مردم مظلوم هشدار می‌دهد که ملت‌های بیدار نخواهند گذاشت
که آنها به اهداف پلید خود دست یابند اما مطر مردم سرزمین خود را در خواب غفلت می‌بیند گویا مردمی
که مطر از آنها میگوید هنوز به آگاهی دست پیدا نکرده‌اند چون دزد و حاکم چپاولگر در صورت بیداری
آنها در آرامش نخواهند بود او آگاهی را وقتی می‌داند که کرامت انسانها حفظ گردد و با پرسش این سوال
که چه چیزی سبب شده مردم به خوابی فرو بروند که تا قیامت بیدار نشوند نشان می‌دهد که مردم سرزمین
او هنوز به آگاهی و بیداری دست پیدا نکرده‌اند در واقع اسرافیلی نگاهی مثبت به مسئله آگاهی دارد و این
امید را در خود و مردم خود می‌بیند که به آگاهی برسند و نگذارند که دشمنان تجاوزگر به چپاول
سرزمین‌های آنان دست بزنند اما مطر می‌گوید که مردم به خوابی فرو رفته‌اند که تا قیامت بیدار نمی‌شوند.

3- دعوت به مبارزه:

شعر مقاومت و پایداری سراسر دعوت و تحریک و تشویق به مبارزه است، و این ذوق و قدرت شعر
است که وجدان مبارزان را بیدار کند و او را به میدان مبارزه فرا خواند. اسرافیلی با استفهام وجدان‌های
خوابیده را تلنگر می‌زند.

"وطن به کام پلیدان فتنه گر تا چند؟/شکوه باغ به طوفان خیره سر تا چند؟/ به دست تو ذوالقهار
عاشوراست/ زمام به کام یزیدیان فتنه گر تا چند؟/ بیا که خاک وطن در اسارت کفر است / به زخم کهنه
این قوم نیش تر تا چند؟ / حرم پر از بت و بتهاست ای تبر داران / در انتظار شکستن لب تبرین تا
چند؟(اسرافیلی، 1372: 27)

احمد مطر نیز با استفهام از مردم خود که در مقابل ظلم خاموش مانده‌اند می‌پرسد دست‌های شما را خداوند برای چه خلق کرده؟ و با این روش آنها را سرزنش کرده و به مبارزه علیه تجاوزگران و حاکمان ظالم فرا می‌خواند.

أَيُّهَا الشَّعْبُ لِمَاذَا خَلَقَ اللَّهُ يَدَيْكَ؟ / أَلَيْكَ تَعْمَلُ؟ / لَأَشْغَلَ يَدَيْكَ؟ / أَلَيْكَ تَأْكُلُ؟ / لَأَقُوتُ لَدَيْكَ؟
(مطر، 1984، ج 6: 26)

اسرافیلی با واژه برخیز امر می‌کند و چون فرمانده جنگ دستور جنگ را صادر می‌کند. برخیز و به شحنه‌ها بیر یورش / فریاد بلند بوذر است اینجا / بر کفر بزن سفیر حیدر وار / برخیز که رزم حیدر است اینجا / (اسرافیلی، 1372: 51)
احمد مطر برای صادر کردن فرمان جنگ از واژه "قم" و "انهض" استفاده می‌کند که معادل همان برخیز اسرافیلی است.

قُم أَطْلِقَ أَحْجَارِي الْأَسَارِي / وَاجْعَلْهَا أَسْلِحَهُ تُتْرِي / يَا مَنْ تَهْرَبُ مِنْ مَاسَاهِ لِتَلُوذُ بِمَاسَاهِ أُخْرَى / كُنْ حُرًّا وَاجْعَلْنِي حُرًّا. (مطر، 1984، ج 7: 90)
إِنْهَضْ، إِذْنِ أَنْهَضْ وَكَثْرَ عَنْهَا - إِنْهَضْ وَدَّعْ كُلَّكَ يَغْدُو قَبْضَتَيْكَ - نَهَضِ النَّوْمِ مِنَ النَّوْمِ / عَلَيَّ ضَوْءَاءَ صَمْتِي / لَأَلْعَنَهُ لِي إِيَّاكَ، أَنْهَضْ لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ (همان، ج 6: 29)

اسرافیلی با توصیف صحنه‌های جنگ و کفر و ایمان و یادآوری حوادث تاریخی و استفاده از نمادها و اسطوره‌ها مبارزان را به صحنه مبارزه می‌کشد اما مطر با تکرار واژه‌هایی چون "قم" و "انهض" نوعی خشم و شور بر دل مبارز القاء می‌کند او با دیده‌ی حقارت سعی در برانگیختن روحیه مبارزه طلبی مبارزان دارد و با استفاده از استفهام انکاری و نفرین سعی در بروز خشم خود نسبت به مردمی را دارد که در مقابل ظلم خاموش نشسته‌اند.

4-دعوت به اتحاد:

همکاری و اتحاد در هر کاری موجب موفقیت است و در قرآن نیز دعوت به همکاری در کارهای بزرگ سفارش شده است "تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى" (مائده: 3) و چه همکاری ای بهتر از دفاع از جان و مال مومنان احمد شوقی در مورد همکاری می‌گوید "إِنَّ التَّعَاوُنَ قُوَّةُ الْعُلُوِيَّةِ / تُبْنِي الرَّجَالَ وَتُبْدِعُ الْأَشْيَاءَ"
(ناصری، 1397؛ 15)

پس اگر مردم در برابر ظالمان اتحاد داشته باشند سر انجام حاکم ظالم را به زیر می‌کشند و ظلم ناپایدار را از بین می‌برند. حسین اسرافیلی برای دعوت به اتحاد از نفاق و تفرقه می‌گوید نفاقی که دشمن ایجاد می‌کند تا مردم نتوانند با اتحاد و همدلی بر او غالب گردند.

بیا به خانه وحی آتش نفاق ببین / شکستن حرمت این خانه تا چند / حرم پر از بت و بتهاست ای طبر داران / در انتظار شکستن لب تیر تا چند / تفو نثار شما ای یاوران حسین / به فتنه‌های یزید این همه شر تا چند. (اسرافیلی، 1372: 27)

احمد مطر نیز عامل نفاق و عدم اتحاد مردم را دشمن ذکر می‌کند.

مَنْ زَرَعَ الْفِتْنَةَ بَيْنَكُمْ وَ لَمْ تَكُنْ فِي الْأَرْضِ إِسْرَائِيلَ؟ (مطر، 1984، ج 6، 15)
عَجَبًا كَيْفَ انْكَشَفْتُمْ آيَةَ انْقِطَعْ وَ لَمْ تَكْشِفُوا رَعْمَ الْعَوَادِي آيَةَ وَاحِدَةً مِنْ كُلِّ آيَاتِ الْجِهَادِي (همان، ج 1: 122)

در ابیات دو شاعر این موارد ذکر شده که اسرافیلی صبر و انتظار و عدم اتحاد در برابر ظلم را نکوهش می‌کند و او ظالم را به تبری تشبیه می‌کند که به جان مردم افتاده و همان گونه که تیر جنگل را نابود می‌کند حاکم ظالم نیز، او انتظار مردم را بیهوده می‌داند در حالی که مطر عامل نفاق در کشورها را عاملی خارجی می‌داند و آن هم اسرائیل است.

5- قدس:

آنچه موجب پیوند قلبی انتفاضه فلسطین و مقاومت مردم فلسطین با کشورهای اسلامی می‌شود جدا از بحث دفاع از مظلومیت مردم فلسطین مسئله قدس به عنوان اولین قبله مسلمانان است که به نوعی احساس تعلق به آن دارند و در بیشتر آثار مقاومت جهان اسلام مسئله قدس بیان می‌شود.

اسرافیلی با یک حس نوستالژیک با این مسئله برخورد می‌کند و او از کوههای بلندی که بین او و قدس حائل شده‌اند می‌خواهد که کوتاه شوند تا او بتواند قدس را تماشا کند.

"ای کوههای بلند کوتاه شوید تا قدس را تماشا کنم / و خون شقاقی را در اهتزاز ببینم / که به سفت طف جاریست / و نعش شهیدان را که ماه در اشک و آه بر آنان نماز می‌خواند (گزیده ادبیات معاصر)

در قدس آسمان بر کشتگان نماز می‌خواند و درختان به احترامشان سر خم می‌کنند (اسرافیلی، 1383: 47)

مطر از این که توانایی کمک به قدس را ندارد از قدس معذرت می‌خواهد در واقع شاعر در اینجا خود را نماینده ی جامع خود در نظر می‌گیرد جامعه عربی که برای حمایت از قدس کاری انجام نمی‌دهند. "یا قدس معذره و مثلی لیس یعتذر / ما لی ید فی ما جری فالامر ما امروا/ و انا ضعیف لیس لی اثر عار علی/ سمع و الابصر و انا بسیف الحرف نتحر و انا لهیب... (مطر، 1984، ج 1: 68)

یا قدس یا سیدتی معذره فلیس لی یدان ولیس لی اسلحه و لیس لی میدان کل الذی املکه لسان (همان: 103)

اسرافیلی با به کارگیری اسلوبی مثل تشبیه، استعاره، کنایه با زیبایی خاصی به تقدیس و احترام قدس می‌پردازد و مقام شهدای قدس را پاس می‌دارد و مطر از این که نمی‌تواند همچون مبارزان سلاح در دست گیرد و رو در روی دشمنان قدس بایستد از قدس معذرت می‌خواهد و او بیان می‌کند سلاح او برای مبارز شعر است.

6- فلسطین:

فلسطین به عنوان کشوری مسلمان که مورد هجوم و غضب رژیم صهیونیستی قرار گرفته موضوع بیشتر اشعار شعرای پایداری است و شاعران همواره سعی در توصیف صحنه‌های نبرد و شهادت رزمندگان فلسطینی در برابر ظلم رژیم صهیونیستی بر آمده اند.

اسرافیلی با نوعی امید انتظار پایان نبرد و پیروزی فلسطین را دارد.

فلسطین زخمی بگو چند صبح /

به بیداری شانه‌ها مانده است / بگو چند آتش بگو چند تبر /

به خاکستر خانه‌ها مانده است / بگو در نفس گیر اندوه شب /

اگرچه به زنجیر و بندی هنوز / نیاورده ای سر به دشمن فرود /

سرافرازی و سر بلندی هنوز / فلسطین زخمی بگو چند گام /

به پایان شب تا سحر مانده است.

(اسرافیلی، 1378: 356)

احمد مطر با پرسش از ملت‌هایی که که در برابر تجاوز به خاک فلسطین ساکت نشسته‌اند می‌گوید
برای فلسطین گریه کرد بلکه باید شیون سر داد او با اندوه به موضوع فلسطین می‌پردازد.

7- کودکان مبارز:

برخی از ادباء و شعراء با وارد کردن نقش و نماد کودک در آثار ادبی به نوعی رنگ قداست و پاکی را به آثار ادبی خود نقش زده‌اند و برخی با مضامین جنگ برای کودکان شعر سروده‌اند اما برخی معتقدند «مضامین جنگ را نباید در شعر کودک و نوجوان گنجانند وقتی بچه‌ها جای خالی بابا را حس کردند و مجبور شدند درس آذیرهای قرمز را بیاموزند دیگر نویسنده نمی‌توانست از آن غافل بماند (صادق زاده: 167)

حسین اسرافیلی کودکان مبارز فلسطینی را با کوههایی در دست توصیف می‌کند که در راه مبارزه برآمده‌اند .

کوهها در مشت کودکان فلسطینی جای می‌گیرد و بر هبل فرود می‌آید(همان: 334)
ای بوش...از جیب کودکان فلسطینی بترس که این بار کوهها را به سمت تو پرتاب خواهند کرد (همان: 10)

اسرافیلی حتی کودکان متولد نشده را مبارزان فلسطینی می‌داند که در آینده به جنگ رژیم غاصب می‌پردازند.

در نوار غزه زنی شش قلو زایید شش بمب شش انفجار شش شهادت طلب (همان: 10)
در الخلیل کودکان با سنگی در مشت متولد می‌شوند و می‌دانند برای شکستن بتها ی شیشه ای سنگ کافیس(همان: 17)

در فلسطین کودکان برای شهادت زاده می‌شوند(همان: 19)
احمد مطر سنگ در دست کودکان فلسطینی را عبادت توصیف می‌کند و آن سنگ در دستان کودکان فلسطینی را همان سرزمینش می‌داند که از آن دفاع می‌کند.

حَجْرٌ فِي كَفِّ طِفْلِ بِلِسْطِينَ عِبَادَهُ / وَ صَلَاةٍ بِقَمِّ الْقَادَةِ / حَجْرٌ فِي كَفِّ طِفْلِ بِلِسْطِينَ بِلَادِ (مطر، 1984، ج3، 146)

8- آزادی:

شاعر مقاومت تمام تلاش خود را برای کسب آزادی و انواع آن به کار می‌گیرد، آزادی در واقع همان نقطه ایست که در مقابل ظلم قرار می‌گیرد و تلاش انسانهای آزادی خواه برای از بین بردن ظلم منجر به رفاه و آسایشی می‌شود که در ذات بشر وجود دارد و همواره انسان به جستجوی این نیاز فطری می‌پردازد. حسین اسرافیلی عامل نبود آزادی را حکام ظالم و استعمارگران می‌داند و او آزادی را در کرامت نفس انسانهای مبارز آزادی خواه می‌شناسد.

ای بوش تو و یارانت آزادی را می‌بلعید / ما آزادی در کرامت نفس‌های مبارزان / رشد می‌کند و ریشه می‌دواند / ای بوش آزاد راهها را نشانه گرفتی / تا حرکت‌ها را متوقف کنی / و گفתי هرکس مخالف من است مخالف آزادیست / (اسرافیلی، 1383: 85)

مطر آزادی را نعمتی می‌داند که از دست رفته است و با کنایه و گوشزد نسبت به از دست رفتن آن خدا را سپاس می‌گوید

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمِهِ مَا فَاتَتْ عِنْدَنَا حُرِّيَّةُ الْكَلِمَةِ (همان، ج 1: 124)

در ابیاتی دیگر از کسی که از یک پناهگاه فرار می‌کند به پناهگاه دیگر می‌خواهد آزاده و شجاع باشد. يَا مَنْ تَهَرَّبُ مِنْ مَأْسَاءِ لِيَلُودَ إِلَى مَأْسَاءِ الْآخِرَى كُنْ حُرّاً وَاجْعَلْنِي حُرّاً (همان، ج 7: 9) او با کنایه و تمسخر از مردمی که گرفتار نبود آزادی و گرفتار خفقان هستند می‌خواهد به آنچه حاکم راضیست بسنده کنند چرا که حاکم ظالم می‌خواهد آنها همیشه در بند بوده و آزاده نباشند.

لَا تَطْلُبِي الْحُرِّيَّةَ أَيُّهَا الرَّعِيَّةُ لَا تَطْلُبِي الْحُرِّيَّةَ بَلْ مَارِسِي الْحُرِّيَّةَ إِنَّ رَضِيَ الرَّاعِي (همان، ج 5: 9)

9- استعمار منابع و استعمار ستیزی:

یکی از عوامل جنگ و نزاع‌ها مسئله منابع کشورها و چشم طمع کشورهای دیگر است، کشورهای چپاولگر با هدف دستیابی به منابع دیگر کشورها دست به جنگ افروزی می‌زنند و منابع سرزمینها را به غارت می‌برند که این مسئله موجب فقر مردم و ظلم علیه آنان است.

حسین اسرافیلی کشورهای قدرتمند و استعمار طلب را این گونه توصیف می‌کند که منابع را غارت می‌کنند و در عوض بیماری و مرگ را هدیه می‌دهند.

ای بوش..منابع سرزمینها را غارت کردی و در عوض ایدز صادر کردی /

و میکروبیهای آزمایشگاهی رشد دادی /
ثروت ملتها را به یغما بردی /
و مرگ برایشان به هدیه آوردی. (اسرافیلی، 1383: 33)
ای بوش در عراق به دنبال طلای سیاه خیمه زد. (همان: 39)
تل آویو با نیویورک با سرم نفت تغذیه می‌کنند /
باور نمی‌کنید اگر از لوله نفت پیرسید /
که اشغالگران در اولین گام لوله نفت را راه اندازی کردند (همان: 76)
مطر می‌گوید آن گاه که فضا را گرد و خاک فرا گرفته بود بزرگانی که دل به دنیا بسته بودند چشم طمع
به چاههای نفت و بزرگانی که دل به آخرت بسته بودند در طمع چاههای آب بودند.
او ظلم استعماری را این می‌داند که کشاورزان با این که محصول را درو می‌کنند اما شبها گرسنه
می‌خوابند و در سفره هایشان نان نیست و با اینکه نفت دارند ام در زمستان خانه هایشان سرد است
وروشنایی ندارند

جَلَجَلَتْ مَلَأُ الْفَضَاءِ / ضَحِكَتْ مِثْلُ الْبُكَاءِ /
شَيْخٌ دُنْيَا بِئْرُ نَفْطٍ شَيْخٌ دِينٍ بِئْرُ مَاءٍ. (مطر، 1984، ج 6، 33)
نَزَرَ عِ الْأَرْضِ وَ نَعْفُو جَائِينَ /
نَحْمَلُ الْمَاءَ وَ نَمَشِي ظَامِيِينَ /
نَخْرَجُ النِّفْطِ وَ لَا دِفْءَ وَ لَا ضَوْءَ لَنَا /
إِلَّا شِرَارَاتُ الْأَمَانِي / وَ الْمَصَابِيحُ الْيَقِينِ /
وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مُنْصِفَ فِي قِسْمِ الْمَالِ (همان، ج 4: 84)
فَمَا لَنَا فِي الْبُرْدِ لَبْسَ إِلَّا عُرَيْنَا /
وَ مَا لَنَا فِي الْجُوعِ لَا نَأْكُلُ إِلَّا جَوْعَنَا (همان، ج 2: 18)

10- بی عدالتی، سکوت و ظلم مجامع بین المللی و حقوق بشر:

جامعه بین المللی نقش پر رنگی در خاموش کردن آتش جنگ‌ها و محکوم کردن کشورهای متعرض
و متجاوز دارد شورای امنیت می‌تواند عاملی باز دارنده از ظلم علیه مردم مظلوم باشد اما این مجامع

برعکس اهداف تاسیس خود و برخلاف نام خود به عنوان ابزاری در دست قدرتهای بزرگ و کشورهای استعمارگر هستند تا در دستیابی به اهداف آن کشورها آنان را یاری رسانند، حداقل در مورد مسئله فلسطین این چنین بوده است.

حسین اسرافیلی از سکوت حقوق بشر در برابر ظلم و بیدادگری‌های رژیم غاصب شکوه می‌کند.
دنده‌های شکسته ابوغریب /

و چشم کبودش و ناموس دفن شده اش /

و عفت زخمی اش پرچم حقوق بشر است /

با خطوط موازی آبی و ستاره‌های سرخ (اسرافیلی، 1383: 74)

در عراق و فلسطین خانه‌ها مثل هم تخریب می‌شوند /

و حقوق بشر مثل همیشه چشم فرو بسته است (همان: 74)

احمد مطر از شورای امنیت این گونه بیان می‌کند که تنها اسمی است و در عمل هیچ کارایی ندارد و

دولتهایی که عضو دائم آن هستند همیشه قدرتمندند

وَ مَجْلِسُ الْأَمْنِ هُوَ إِسْمٌ / أَمَّا مَعْنَى الْمُسَمَى مَوْقِفُ الْوَحْشِيَّةِ / وَ الدَّوْلُ الدَّائِمَةُ الْعُضْوِيَّةُ / دَائِمَةٌ لِأَنَّهَا

قَوِيَّةٌ / جَلْدَتْهَا نَلْجِيَّةٌ وَ رُوْحَهَا نَارِيَّةٌ (مطر، 1984، ج 6: 56)

11- امید به آینده روشن و پیروزی:

اسرافیلی خرابی‌های ناشی از جنگ را این گونه تصور می‌کند که روزی آباد می‌شوند و بیان می‌کند که

این ویرانه‌ها جای اشغالگران نخواهد بود او از قائده علمی چرخش زمین و تغییر ایام به زیبایی تشبیه

می‌آورد که یاد آور سخن حضرت علی (ع) است که می‌فرماید «الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا نَ

لَكَ فَلَا تَبْطُرُ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ (نهج البلاغه: 519)

اسرافیلی اشاره می‌کند که یک روز دنیا به مسلمین رو می‌کند و همیشه یک شکل باقی نخواهد

وآن روز نوبت ماست

باز خونین شهر ما خرم شود /

باز هر گلدسته ای پرچم شود /

شهر من ای شهر پر آوای درد /

ای نشان پایداری در نبرد (اسرافیلی، 1372: 43)

اسرافیلی در مورد پیروزی مقاومت فلسطین می‌گوید که:

و زیتون زاران فلسطین سایه بان اشغالگران نخواهد بود /

و درندگان گرسنه به اجساد مردگانتان پوزه خواهند مالید. (همان: 9)

کفش فلسطین جفت شده است سفری در پیش است سفری به روشنایی سفری به رهایی (همان: 19)

از درختان نارنج چند نارنجک بچینید /

واز درختان زیتون چند گلوله /

این بار نوبت ماست /

نوبت اسلام است /

به افق‌ها نگاه کنید (همان: 20)

احمد مطر نیز مضامین مشترکی دارد:

قُوهِ الْإِيمَانِ فِيكُمْ سَتُرِيدُ /

سَوْفَ تَنْجُونَ مِنَ النَّارِ /

فَلَا يَدْخُلُ فِي النَّارِ شَهِيدٌ /

إِبْتِهَاجَ حَشْرٍ مَعَ الْخِرْفَانِ عِيدٌ /

إِنَّ أَعْوَامَ الْأَسَى وَوَلَّتْ /

وَهَذَا خَيْرٌ عَامٍ إِنَّهُ عَامُ السَّلَامِ /

قُلْتُ مَنْ أَنْتَ؟ /

وَمَاذَا يَا تَرِي مِني تُرِيدُ؟ /

قَالَ لَا شَيْءَ بَتَاتَا /

إِنِّي عَامٌ جَدِيدٌ. (مطر، 1984، ج 6، 165)

با بیان این که آن هنگام که نیروی ایمان افزایش یابد پیروزی خواهد آمد و این که با شهادت کسی وارد آتش جهنم نمی‌شود و سالهای اندوه می‌روند، امید خود را به آینده‌ی روشن پیروزی اظهار می‌کند.

نتیجه گیری

1- با بررسی اشعار مقاومت احمد مطر و حسین اسرافیلی مشخص شد که تاکید دو شاعر بیشتر بر اتحاد و همدلی در مقابل ظلم و بیداد استعمارگران دارند اسرافیلی و مطر معتقدند که نفاقی که اکنون در جوامع اسلامی شاهد آن هستیم نشأت گرفته از دشمنان بویژه رژیم صهیونیستی است و اسرافیلی با تشبیه منافقین به لبه تبر از مردم درخواست مبارزه و اتحاد دارد .

2- وطن در شعر اسرافیلی با صفاتی چون رشادت، شجاعت، و ایستادگی توصیف می‌شود اما در شعر مطر با یک حزن و اندوه خاص وطن توصیف می‌شود، از عواملی که باعث جذابیت در توصیفات حسین اسرافیلی شده توجه او به استفاده از استعارات، تشبیهات، کنایات و اسلوب بلاغی است.

3- در مضامینی چون دعوت به مبارزه دو شاعر به سراغ اسلوب بلاغی استفهام می‌روند و با پرسش از مخاطب خود از او می‌خواهند که به میدان جنگ ونبرد علیه ظالمان و چپاولگران بروند، اما تفاوت این جاست که اسرافیلی با تلمیح به حوادث تاریخی و استفاده از نمادها واسطوره‌ها باعث جذابیت و دلنشینی شعرش شده است درحالی که شعر مطر با نوعی حالت خشم مخاطب را مورد ندا قرار می‌دهد و او را سرزنش و شماتت می‌کند.

4- به طور کلی با بررسی‌های انجام شده به این نتیجه می‌رسیم که میزان خوش بینی و امید به پیروزی در اشعار حسین اسرافیلی بیشتر به چشم می‌خورد در حالی که در شعر مطر یاس و ناامیدی موج می‌زند و هرگاه از امید و پیروزی حرف می‌زند شعرش با «اما و اگر» همراه است همچنین میزان استفاده از اسلوب بلاغی در شعر اسرافیلی بیشتر است به همین دلیل خواننده با مطالعه شعر اسرافیلی احساس خستگی نمی‌کند در حالی که شعر احمد مطر به نوعی خشک و شعارگونه سروده شده که از عاطفه و احساس کمتری برخوردار است.

منابع و مأخذ

- اسرافیلی، حسین (1383)، مثل آتش که در دل سنگ، تهران: خورشید باران.
----- (1387)، رد پای صدا، تهران: نشر تکا.
----- (1372)، در سایه ذوالفقار، تهران: دفتر حفظ آثار دفاع مقدس.
----- (1364)، تولد در میدان، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
----- (1377)، آیین و سنگ، موسسه فرهنگی شجره طوبی فاطمه الزهرا.
-حاج بابایی، محمد رضا، سجاد مرادی، (1396)، بررسی مقاومت فلسطین در اشعار محمود درویش و حسین اسرافیلی، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه باهنر کرمان، سال نهم، شماره 17، پاییز و زمستان.
-دانیل، هنری باجو، (1997)، الادب العام المقارن، غسان السید، دمشق: اتحاد الکتب العرب.
-سعدون زاده، جواد، (1388)، مظاهر ادب المقاومة، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه باهنر کرمان، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان.
-شوقی، احمد عبدالجواد رضوان، (1990)، مدخل الی الدرس الادبی المقارن، بیروت: دارالعلوم.
-شکری، غالی، (1970)، ادب المقاومة، قاهره: دارالمعارف بمصر.
-قرایی، حسین (1397)، حوالی روشن صدا زندگی و زمانه حسین اسرافیلی، قم: انتشارات شهید کاظمی.
-مطر، احمد (2011)، المجموعة الشعرية، بیروت: دارالحرية.
----- (1984)، لافتات، الطبع الاولي، کویت.
-ناصری، مهدی، حسین تکتبار و رسول دهقان زاد، (1397)، شاه بیت‌های عربی و معادل آن به فارسی وانگلیسی، قم: انتشارات دانشگاه قم.

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Daniel, H., (1997), *"Comparative General Literature"*, Ghassan al-Sayyed, Damascus, Arab Book Union.
- Esfarili, H., (2004), *"Like a Fire in the Heart of the Rock"*, Tehran: Khorshid.
- , (1999), *"The Sound Footprint"*, Tehran: Taka Publications.
- , (1993), *"In the Shadow of Zulfiqar"*, Tehran: Office of the Preservation of the Sacred Defense.
- -----, (1985), *"Birth in the Square"*, Tehran: Artistic field of Islamic Advertising Organization Publishers.
- , (1998), *"Mirror and stone"*, Tuba Tree of Fatima al-Zahra Cultural Institute.
- Gharaee, H., (1997), *"Around the bright Sound of Life and Times of Hussein Esfarili"*, Qom: Shahid Kazemi Publications.
- Haj Babaei, M., Sajjad Moradi, (2016). *"A Study of the Palestinian Resistance in the Poems of Mahmoud Darwish and Hussein Esfarili"*, Journal of Resistance literature, Bahonar University of Kerman, Ninth Year, No. 17, Fall and Winter.
- Matar, A., (2011), *"The Poetry Collection"*, Beirut: Dar al-Hariyeh.
- Matar, A., (1984), *"Signs"*, 1th edition, Kuwait.
- Naseri, M., Hussein Taktabar and Rasool Dehghanzad, (1997), *"Arabic Great Couplets and Their Equivalence with Persian and English"*, Qom: University of Qom.
- Saadounzadeh, J., (2009), *"The Manifestations of Resistance literature"*, Journal of Resistance literature, Bahonar University of Kerman, First Year, Issue 1, Fall and Winter.
- Shooghi, A., (1990), *"Introduction to the Comparative Literature"*, Beirut: Dar al-ulum.

The Effectiveness of Literary Elements on the Expression of Social Motifs; a Comparative Study of the Poems of Ahmad Matar and Hossein Esrafilii according to the American School

-Shokri, G., (1970), "*Resistance Literature*", Cairo: Dar al-Murraf.